



آذر پیام

۷۰۲

ما هفتم
سراسری
کشور



www.azar-payam.ir ● ISSN: 2008-1022

سال بیست و سه | شماره ۷۰۲ | شهریور ماه ۱۴۰۲ | ۸ صفحه | ۵۰۰۰۰ تومان

□ «بلک فرایدی» و جامعه ایرانی | ۲

□ سه بحرانی که اگر نادیده رفته شود زمان از دست می‌رود | ۳

□ بازگشت حجتیه؟! | ۴

آلودگی هوای تبریز زیر سایه بی‌تدبیری‌ها

مسئولان سابق متهم ردیف اول





«بلک فرایدی» و جامعه ایرانی

پاییز ۱۴۰۰ بود که در آخرین جمعه یازدهمین ماه میلادی مصادف با ۵ آذر ۱۴۰۰، فروشگاه‌های ایرانی به ویژه فروشگاه‌های اینترنتی شروع به تبلیغ فروش حراج بلک فرایدی کردند، سنتی غربی که از لحاظ زمانی و از لحاظ فرهنگی با جامعه ایرانی سازگار نیست اما چه باید کرد که هرچه بود، این فرهنگ غربی نیز در جامعه ایرانی حتی برای یک سال هم که شده، اجرا شد.

بلک فرایدی، اولین یا آخرین گونه این تأثیرپذیری جامعه ایرانی از فرهنگ غربی نیست؛ هالوین و ولنتاین نیز از تأثیرگذاری‌های گسترده فرهنگ غربی بر جامعه ایرانی است. جامعه بحران زده ایرانی که در هجوم گسترده این فرهنگ و در چالش سنت و مدرنیته گرفتار شده و حال، مصیبت بزرگ‌تر متروکه شدن فرهنگ ایرانی و پیوستن به فرهنگی بیگانه است که چنانکه گفته شد نه تنها سختی با جامعه ندارد، بلکه ایفای این فرهنگ‌ها در جامعه ایرانی، چهره‌های مضحک به خود می‌گیرد.

اگر در بلک فرایدی و پیش زمینه‌های عرفی و فرهنگی آن در جوامع غربی تأملی داشته باشیم این اتفاق موسوم به بلک فرایدی، در روزهای انبارگردانی فروشگاه‌ها در پایان سال میلادی با هدف فروش اجناس مانده در پایان سال و گسترش توان خرید جامعه در آستانه سال جدید میلادی، اجناس با تخفیفی ویژه عرضه شده و فروشندگان به اصطلاح با آتش زدن به اموال خود جمعه سیاهی را رقم می‌زنند. این امر، در ذات خود نشان از نوع دوستی در یک فرهنگ و جامعه برای آغاز سال بهتر دارد.

جمعه سیاه یا حراج جمعه در آمریکا به فردای روز شکرگزاری و آخرین جمعه ماه نوامبر اطلاق می‌شود که آغاز آیین خرید برای کریسمس حساب می‌شود. جمعه سیاه، یک روز تعطیل نیست، اما اکثر شرکت‌ها به کارکنان

خود اجازه می‌دهند که این روز را مرخصی گرفته و به خرید سال نو بپردازند. این روز برخلاف نام‌گذاری‌های معمول که روزهای بدشگون را با صفت سیاه می‌خوانند به دلایل مختلف از جمله این که حساب‌داران، روزهای پرسود خود را با جوهر مشکی ثبت می‌کردند جمعه سیاه خوانده می‌شود. برخی تصاویر این جمعه‌های سیاه در آمریکا و اروپا هر سال در رسانه‌ها پخش می‌شود که نشان‌گر هجوم مشتاقان اجناس ارزان به فروشگاه‌ها و ایجاد تصویری از غارت کالاها توسط لشکر گرسنگان و نیازمندان است.

«بلک فرایدی» با ترجمه تحت‌اللفظی «جمعه سیاه» عبارت بیگانه‌ای است که «جمعه سیاه» یادآور خاطره‌ای غمناک و ماندگار در ذهن ایرانی‌هاست. اما درگاه‌های فروش مجازی، هوشمندانه به واژه‌سازی پرداختند. برخی فروشگاه‌ها با کلمه ادغام شده «حراج‌جمعه» نگاه‌ها را به خود جلب کردند. شرکت‌های دیگر هم، خلاقیت خود را به کار انداختند و «سور جمعه» و «سیا‌جمعه» و حتی عبارت «جمعه به خرید» وارد بازار فروش شدند. گروهی جمعه را رنگی دیگر زدند و «جمعه آبی» و «جمعه صورتی» رونمایی شد.

اما آنچه مهم است رواج فرهنگ غربی در جامعه ایرانی و برخورد جامعه ایرانی با آن فرهنگ است. بلک فرایدی در جامعه ایرانی، اگرچه که چهره‌ای شایسته در جامعه غربی دارد، بدل به جشن کلاه‌برداری فروشگاه‌ها شد تا جایی که از سوی خریداران شکایت‌هایی صورت گرفت، ارگان‌های نظارتی به این حوزه ورود پیدا کرده و جرم‌انگاری‌هایی صورت گرفت و از سوی دیگر

درگاه‌های فروش مجازی محدودیت‌هایی برای فروشندگان کلاه‌بردار ایجاد کردند. جدای از این کلاه‌برداری، آنچه که به عنوان انبارگردانی در جامعه غربی مرسوم بود، در جامعه ایرانی به فروشگاه‌های تقلبی، فروش اجناس بادکرده و تخفیف‌های تقلبی پس از گران کردن‌های چندباره تبدیل شد. بیگانگی فرهنگی جامعه ایرانی با این فرهنگ‌های تازه وارد به جامعه ایرانی از جمله هالوین، ولنتاین و بلک فرایدی که موضوع این یادداشت است در حالی است که جامعه ایرانی بی‌نیاز از این فرهنگ‌هاست چراکه دیگر مناسک فرهنگی در بطن فرهنگ ایرانی وجود دارند که با جامعه ایرانی از هر جهت سختی دارند و به عبارتی ساخته و پرداخته جامعه و فرهنگ ایرانی‌اند.

گسترش فرهنگ غربی اگرچه در نگاه سهل‌انگانه شاید یک اتفاق عادی در سطره جهانی شدن باشد اما اگر به دقت به این مهم توجه کنیم، این گسترش و سطره فراموشی فرهنگ و خرده فرهنگ‌های ساخته و پرداخته جامعه ایرانی را در پی خواهد داشت و ماحصل این امر، عادی‌سازی بیگانگی جامعه ایرانی با فرهنگ ایرانی خواهد بود. از سوی دیگر، آنچه که در فرهنگ غرب رواج دارد، برخاسته از بطن فرهنگ و عرف آن جامعه است؛ فرهنگ و اجتماعی که مقدمات اصلی این اتفاقات را در خود دارد اما این جامعه ایرانی است که با دور شدن از اصل خویش، به فرهنگی می‌پیوندد که جدای از بیگانگی با آن، حتی با مقدمات ورود به آن بیگانه است.



مدیران پرهزینه ناکارآمد یا جوانان بی تجربه کم هزینه؟!

تورم، نرخ بهره، ارزش پول ملی و... تحت تأثیر خود قرار داده است. به عنوان کسی که اقتصاد را در حد الفبای آن درک می‌کند می‌دانم که قطعا این پدیده نامیوم حاصل مدیریت غلط یک نفر، ارگان، دولت، مجلس و حکومت نیست، بلکه جمع جبری مجموعه‌ای از نگرش‌های درست و غلط و عملکرد انسان‌های شایسته و ناشایسته و سیستم‌های غلط و درست حاکم بر مدیریت جز و کلان کشور است که خروجی اش یک عدد بزرگ و متغیر منفی است. در این بین دلخوش کردن به آمارنماهای ساختگی و تصمیمات کوتاه مدت مسکنی هم دیگر اثر ندارد و این اقتصاد اقتدر مریض شده است که دیگر مسکن هم اثر ندارد.

شاید تعارض منافع، انتخابات مجلس محلی، عدم استقلال بانک مرکزی و کسری بودجه ساختاری و بکارگیری مدیران نالایق میانی از مهمترین عوامل در نابسامانی اقتصادی است ولی نکته این جاست که آیا کاری می‌شود کرد یا خیر؟!

یاد دارم در گذشته وقتی در استخدام یک شرکت خصولتی بانکی بودم، همیشه در ذهن خود می‌گفتم که مدیر نالایق بازنشسته دست ناپاک ما با بیست میلیون حقوق و تصمیمات اشتباه همیشگی، جای حداقل ده جوان با انگیزه را پر کرده، واگر ما به جای او جوان بی تجربه و پراشتباهی را

شاید تعارض منافع، انتخابات مجلس محلی، عدم استقلال بانک مرکزی و کسری بودجه ساختاری و بکارگیری مدیران نالایق میانی از مهمترین عوامل در نابسامانی اقتصادی است ولی نکته این جاست که آیا کاری می‌شود کرد یا خیر؟!

مالیات بر عایدی سرمایه، برخورد با دلالان، مدیریت بازار توسط بانک مرکزی، مشخص شدن منشأ ارز خارجی، مدیریت کارآمد در وزارت صمت؛ کدام راه می‌تواند بازار ارز در کشور را مدیریت کند؟ عاملی که روی افزایش هزینه‌های مردم تأثیر مستقیم دارد.

واقعیت این است که یک راه حل طلایی برای مدیریت برارز در کشور وجود ندارد. جرثومه فساد که منشأ بسیاری از ناملایمات اقتصادی در کشور است. و پیش از ۵ سال است که همه شاخص‌های اقتصادی را از جمله

بگذاریم خروجی تغییر نمی‌کند اما هزینه ما به یک دهم کاهش می‌یابد. و این تفکر اگر به سایر حوزه‌ها و مدیران میانی و مدیران جز تسری پیدا کند به همین سادگی هزینه‌های کشور را لاقط کاهش می‌دهیم حتی چنانچه نتوانیم درست مدیریت بکنیم!

دولت‌ها و مجلس‌های پرهزینه و فربه و بی‌انگیزه و ناکارآمد با تکیه بر منابع ملی فقط در صدد اداره کشور بودند و نه توسعه و کشور داری. حال آیا لازم است منابع کشور را صرف مدیرانی کنیم که فقط زیر مجموعه شان را می‌چرخانند. آیا آن کار را یک جوان بی تجربه نمی‌تواند انجام دهد؟

حالا ربط صحبت‌های بالا با مدیریت بازار ارز چیست. اگر دولت هزینه‌های خود را کاهش دهد، مجبور نخواهد بود برای مدیریت بازار، پول بدون پشتوانه چاپ کند یا ارز پاشی و طلا پاشی کند. همه ریشه‌های اقتصادی به نظر بنده در کاهش هزینه‌های دولت می‌باشد. راهکارها باید در همین جهت باشند.



سه بحرانی که اگر نادیده گرفته شوند، زمان از دست می‌رود

«تهدید اوج گیری قطبی‌گرایی سیاسی-اجتماعی در ایران، خطر وقوع ابرتورم‌ها و سیلی از گرانی‌ها در کشور، و در نهایت، تلاش‌های گسترده کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آن‌ها جهت تحمیل انزوا به ایران، سه چالش و بحران اساسی هستند که ایران و حکمروایی ایرانی در شرایط کنونی با آن‌ها رو به رو هستند و بایستی هر چه سریع برای آن چاره‌ای اندیشیده شود.» فوت مهسا امینی و تحولات پس از آن در نوع خود، شرایط جدیدی را در معادلات سیاسی-اجتماعی کشور ایجاد کرد. در این چهارچوب، نه فقط در محیط داخلی و حوزه‌های مختلف حکمروایی شاهد وقوع تحولاتی جدید بوده‌ایم، بلکه در عرصه سیاست خارجی نیز شاهد ایجاد فضایی جدید هستیم که در نوع خود کنشگری‌های تازه‌ای را می‌طلبد.

با این همه، در سطحی کلان‌تر، اینطور به نظر می‌رسد که ایران امروز، در قالب مولفه حکمروایی، بایستی سه بحران اساسی را جدی بگیرد و هر چه سریع‌تر برای آن‌ها برنامه ریزی کند. مساله‌ای که اگر محقق نشود، خیلی زود تبعات و آثار منفی به مراتب گسترده تری را برای ایران به ارمغان خواهد آورد. در ادامه این سه حوزه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱: قطبی‌گرایی و چند تکه شدن جامعه

یکی از مهمترین بحران‌هایی که اکنون جامعه ایرانی را بیش از هر زمان دیگری تهدید می‌کند، قطبی‌گرایی و چند تکه شدن جامعه و شکل گیری انشقاقات جدی میان لایه‌ها و طیف‌های مختلف اجتماعی است. در واقع، چالش‌های اقتصادی و تحولات اخیر در کشور، تا حد زیادی بر آستانه صبر و تحمل افراد اثرگذار بوده و شرایط جدیدی را در معادلات اجتماعی ایران به وجود آورده است. از این رو، در وهله نخست بایستی این مشکل در سطح کلان حکمروایی مورد شناسایی قرار گیرد و سپس با استفاده از نظرات و دیدگاه‌های اندیشمندان و دلسوزان، راه چاره‌ای برای آن‌ها اندیشیده شود. تردیدی نیست که بسیاری از نهادها و دستگاه‌های متولی در امور اجتماعی نظیر نظام آموزشی و دستگاه‌های فرهنگی، کاستی‌هایی دارند که بی توجهی به آن‌ها می‌تواند تبعات وخیمی را به همراه داشته باشد.

«تاخرگرایی» نظام حکمروایی در حوزه‌های مذکور، آفتی جدی است و موجب شده تا بسیاری از تحولات و اتفاقات جدید حادث شوند و سپس برای آن‌ها تدبیر اندیشیده شود. این در حالی است که بایستی قبل از وقوع بحران‌ها، برای آن‌ها برنامه ریزی کرد. باید بپذیریم که در سطح افکار عمومی، سرمایه اجتماعی کشور نیز وضعیت خوبی ندارد و تقویت مجدد آن، راهکارها و روش‌های علمی و میدانی موثری را می‌طلبد.

در این راستا، رویه‌ها و راهکارهایی نظیر محدودسازی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، آن هم در شرایطی که گفتمان اصیل انقلاب از ظرفیت‌های قابل ملاحظه‌ای جهت جذب و اقناع انسان‌ها برخوردار است، نه تنها مشکلات را حل نخواهد کرد بلکه تردیدی نیست که راه و بهانه را برای نفوذ راهکارهای جدید نظیر اینترنت ماهواره‌ای استارلینک برای فعالیت در خاک ایران هموار می‌سازد. فراموش نکنیم که در حوزه‌های اجتماعی، برخورد‌های غیراقتناعی، تبعات منفی و مخربی را به همراه دارند و به ویژه در بلند مدت

می‌توانند به شدت آسیب‌زا باشند و سطح بی‌اعتمادی‌ها را افزایش دهند. مشکل اصلی حکمروایی در کشور به همراه نهاد‌های متولی آن در سال‌های اخیر این بوده که به مقوله مسائل اجتماعی به شکل علمی نگاه نکرده و هرکدام از این نهادها به مثابه جزیره‌هایی دور افتاده از هم، صرفاً کار خود را انجام داده‌اند.

رویه‌ای که نه تنها مشکلات را حل نکرده و کاهش نداده، بلکه بعضاً بسیاری از مشکلات را پیچیده‌تر نیز کرده است. به طور کلی، دیدگاه‌های متفکران و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف حکمروایی اجتماعی باید مد نظر قرار گیرد و هر چه سریع‌تر متناسب با نظرات کارشناسی آن‌ها بایستی اصلاحاتی را اعمال کرد. رویکردی که نقطه کانونی آن باید، جلب و جذب مردم و نه دفع آن‌ها باشد.

۲: تورم بالا در اقتصاد

از اوایل دهه ۹۰ شمسی، کشورمان در برهه‌های زمانی مختلف با بحران وقوع جهش‌های ارزی و طرح این گزاره که آیا ایران در آستانه یک ابرتورم است؟ رو به رو بوده است. به تازگی نیز شاهد عبور قیمت دلار از مرز ۴۰ هزار تومان و وقوع سیلی از گرانی‌ها در حوزه سکه، خودرو، مسکن و... بوده‌ایم. آنچه حداقل در ماه‌های اخیر و همزمان با روی کار آمدن دولت سیزدهم آشکار شده، این نکته بوده که تیم اقتصادی دولت، برنامه مشخصی را جهت مهار تورم و مقابله با جهش‌های ارزی ندارند. موضوعی که بعضاً حتی صدای نمایندگان مجلس شورای اسلامی را نیز درآورده است. نکته قابل تامل این است که توجه داشته باشیم هنوز تورم دلار ۴۰ هزار تومانی، خود را در بسیاری از کالاها و نیازهای اساسی مردم نشان نداده است و این مساله اندکی زمان می‌برد.

از این رو، در شرایطی که کشور دچار پدیده اعتراضات است، اگر بنا باشد گرانی‌های افسارگسیخته و آنچه ابرتورم خوانده می‌شود نیز بر اقتصاد ایران سایه افکند، تردیدی نیست که اساساً بسیاری از طیف‌های جمعیتی کشورمان دیگر توان زندگی کردن را از دست می‌دهند و احتمال گسترده شدن دامنه اعتراضات و متعاقباً شکل گیری چالش‌های گسترده‌تر و عمیق‌تر، کاملاً وجود دارد.

این موضوعی است که بسیاری از ناظران و تحلیلگران در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی نیز نسبت به آن مکرراً هشدار داده‌اند. در این چهارچوب، دولت و نظام حکمروایی کشور باید هر چه سریع‌تر فکری به حال اقتصاد کشور کنند. درست است که برنامه‌ها در حوزه اقتصادی ماهیتی فوری ندارند و انجام برخی اصلاحات در این حوزه کاملاً زمان‌بر است، با این حال، اکنون کار به نقطه بحران رسیده و بهتر است که برای این درد، درمان‌های فوری و مقطعی ارائه شود و درکنار آن‌ها به فکر راهکارهای بلند مدت نیز بود.

اهمیت این مساله زمانی بیش از پیش برجسته می‌شود که بدانیم جدای از چالش‌های داخلی، رقبا و دشمنان ایران نیز برنامه ریزی‌های گسترده‌ای را با هدف برهم خوردن نظم اقتصادی و اعمال فشارهای جدید بر ایران در حوزه مذکور، در دست‌ورکار قرار داده‌اند و اگر بنا باشد اتاق جنگ اقتصادی ایران از ضعف کنشگری و عملکردی رنج ببرد، محتمل‌ترین نتیجه، چند برابر شدن دامنه اعتراضات و ناآرامی‌ها در داخل کشور خواهد بود.

۳: اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران

بسیاری از ناظران و تحلیلگران معتقدند که در پی وقوع اعتراضات اخیر در کشور، اجماع بین‌المللی بی‌پدیسی علیه ایران شکل گرفته

است. در واقع، قدرت‌های غربی که در رابطه با مسائل ایران صرفاً به دنبال بهانه‌های کوچک جهت امتیازگیری از تهران و بحران‌زایی علیه آن هستند، با وقوع پدیده اعتراضات در کشورمان، زمینه‌های مناسبی را جهت تحمیل برخی فشارهای مد نظر خود علیه ایران که شاید در حالت عادی با موانع و چالش‌های جدی همراه بود، پیدا کرده‌اند و سعی دارند از تمامی ظرفیت‌های تحمیل فشار حداکثری به ایران تا جای ممکن استفاده کنند.

در حال حاضر شاهدیم که نه تنها فشار افکار عمومی به ویژه در جهان غرب علیه ایران افزایش یافته بلکه به دنبال این مساله، کار کردن با ایران نیز، به امری پرهزینه برای دولت‌های غربی تبدیل شده است. به راحتی علیه ایران در سازمان ملل متحد اقدام می‌شود و غرب در قالب نهاد‌های بین‌المللی نیز کنشگری‌های گسترده‌ای را علیه ایران با موفقیت آغاز کرده که البته همچنان نیز ادامه دارد.

در بُعد منطقه‌ای نیز رقیبای ایران نظیر عربستان سعودی، ترکیه، رژیم اسرائیل، جمهوری آذربایجان و امارات متحده عربی، دست به اتحادسازی‌های جدیدی زده و می‌زنند که هدف کلی آن کسب سهم بیشتری از یک قدرت خاورمیانه و در عین حال تضعیف منافع ملی ایران است.

اکنون ترکیه به دنبال نفوذ در منطقه آسیای میانه و قفقاز است، عربستان سعودی در پی تقویت دیپلماسی و نفوذ اقتصادی خود در منطقه خاورمیانه و در عین حال همکاری با شرکای راهبردی ایران نظیر چین جهت تحمیل انزوا به تهران است و البته که رژیم اسرائیل نیز با توجه به روی کار آمدن مجدد بنیامین نتانیا، توسعه روابط با کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی و البته تحمیل فشار و تضعیف ایران و طرح تهدیدهای مختلف علیه این کشور را در برنامه دارد.

در این فضا، ایران باید با طرح ابتکارات تازه که البته بایستی همسو با تلاش‌های مختلف جهت آرام سازی فضای داخلی دنبال شوند، انزوا را تحمیلی به خود در عرصه بین‌المللی را بشکند و معادلات جدیدی را تعریف کند. دستگاه سیاست خارجی ما باید بپذیرد که افزایش سطح انعطاف پذیری (نه به معنای پذیرش ضعف) و سرعت در تصمیم گیری و اعمال سیاست‌ها، یک اقتضای جدی برای سیاست خارجی ایران در شرایط کنونی است. در غیر این صورت، ما نه تنها شرکای راهبردی خود را به تدریج با تشدید فعالیت‌های رقیبمان از دست خواهیم داد، بلکه تا حد زیادی اهرم‌های منطقه‌ای موثر ایران نیز اهمیت سابق خود را نخواهند داشت.

در این فضا، عملگرایی و سرعت عمل، دو نیاز امروز دستگاه سیاست خارجی ایران جهت مدیریت کشتی دیپلماسی در دریای طوفان زده کنونی روابط بین‌الملل است. تردیدی نیست که تاکنون بارها و بارها در قالب گزارشات و مقالات و مباحثات مختلف، سه مولفه محوری که در این گزارش به آن‌ها اشاره، هدف تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

با این حال، اگر پیشتر به این حوزه‌ها توجه لازم معطوف می‌شد، اینکه اکنون کشور با چالش‌هایی جدی رو به رو باشد، گزاره‌ای با درجه‌ای کمتر از امکان تحقق تلقی می‌شد. از این رو، اکنون سیاستگذار و سیاستمدار ایرانی باید بدانند که دیگر وقت بی توجهی و غفلت نیست که اگر چنین شود، منافع ملی تضعیف و آینده‌ای سخت در انتظار کشورمان خواهد بود.

حجتیه‌ای‌ها چه کسانی هستند و به راستی چقدر قدرت دارند؟

بازگشت حجتیه؟!



علی رغم فروکش کردن ماجرای بازداشت و زندانی شدن نزدیکان احمدی‌نژاد و البته کم‌رنگ شدن حاشیه‌های عجیب اسفندبار رحیم مشایی، این روزها با ناآرامی‌ها و رخدادهای پس از آن، بار دیگر داستان حجتیه‌ای‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در این بین از دیدگاه فلاح‌پیشه، در جریان‌ات اخیر، هر زمان که عده‌ای تلاش کردند برای کشور کاری انجام دهند و فضا را آرام کنند، انجمن حجتیه‌ای‌ها، در مقابل آن‌ها ایستادند. حشمت‌الله فلاح‌پیشه، نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی و استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، در گفتگو با سایت دیده‌بان ایران، از تلاش جریانی در پشت پرده برای برافروختن آتش بحران و پایان نیافتن ناآرامی‌ها در کشور سخن به میان می‌آورد. این فعال سیاسی، بلافاصله با افشاگری در خصوص یک جریان خطرناک در کشور، انگشت اتهام را به سوی یک جریان خزنده «حجتیه» ای می‌کشد.

از دیدگاه فلاح‌پیشه این جریان را که می‌توان در موضع‌گیری برخی نمایندگان مجلس مشاهده کرد، درخواست اعدام سریع و بدون اغماض را مطرح می‌کنند. این اظهارات فلاح‌پیشه در میانه رخدادهای چند وقت اخیر، بار دیگر توجه را به سوی «انجمن حجتیه» یا «جریان حجتیه» جلب کرده است.

اکنون مساله این است که آیا آن‌چنان که این نماینده ادوار مجلس طرح می‌کند حجتیه‌ای‌ها، در پشت تداوم حوادث اخیر و برخورد خشن و ضربتی با بازداشت‌شدگان قرار دارند؟

از تاسیس تا انحلال

انتقاد امام از ایده گسترش معصیت

انجمن حجتیه یا با عنوان دقیق‌تر «انجمن حجتیه مهدویه» در سال ۱۳۳۱ تحت عنوان انجمنی ضدبهاثیت توسط شیخ محمود ذاکرزاده تولابی حلبی مشهور به حلبی تاسیس شد. این انجمن از همان ابتدا با طرح قرائت اخباری‌گری از دین و مذهب، هرگونه قرائت تازه از فقه و اسلام را رد کردند. از دیدگاه حجتیه‌ای‌ها دین و میانی آن تا زمان ظهور حضرت قائم نباید دست بخورد؛ در نتیجه آن‌ها به سوی تفکر جدایی دین از سیاست گرایش پیدا کردند. در واقع، مبنای اصلی تفکر این جمله کلیدی بود که «بایستی بنشینیم تا امام زمان (ارواحنا فدا) بیایند و امور را اصلاح نمایند».

این انجمن در دوره پهلوی به صورت کج‌دارومریز به فعالیت‌ها و نشست‌های خود ادامه می‌داد، اما چون اساس‌ها کاری به سیاست نداشت، با محدودیت چندانی هم از سوی ساواک مواجه نبود. این انجمن تا نزدیک انقلاب، راهپیمایی‌های مردم و افکار امام خمینی (ره) را نیز محکوم می‌کرد. در نتیجه بعد از پیروزی انقلاب، تضعیف شد و تشکیلات آن حدود پنج شش ماه دچار تحیر و حیرت گردید.

هر چند در ادامه برخی از سران انجمن حجتیه با تغییر در مواضع قبلی با انقلاب همراه شدند، اما در ۲۱ تیرماه ۱۳۶۲ پس از انتقادات امام خمینی (ره) از افکار این گروه، انجمن توسط حلبی در پنجم مرداد ماه همان سال منحل شد. در آن مقطع غیرسازنده‌ترین تفکر این انجمن از سوی امام خمینی مورد انتقاد قرار گرفت. در واقع، یکی از فرضیات جدی پیرامون افکار این انجمن، این است که آن‌ها نشانه‌های ظهور حضرت قائم را در نتیجه فراگیر سه بلا می‌دانند: جور سلطان، قحطی زمان و ستم حکام.

همین تفکر آن‌ها در سخنرانی امام خمینی (ره) در مورخ ۲۱ تیر ۱۳۶۲ چنین مورد خطاب قرار می‌گیرد: «یک دسته دیگر هم ترشان اینست که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید، حضرت صاحب مگر برای چی می‌آید؟ حضرت صاحب می‌آید معصیت را بردارد

ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید، این دسته بندی‌ها را برای خاطر خدا، اگر مسلمید و برای خاطر کشورتان اگر ملی هستید این دسته بندی‌ها را بردارید.»

همسویی احمدی‌نژادی‌ها با تفکر حجتیه

از مرداد سال ۶۲ فعالیت رسمی انجمن حجتیه، تعطیل شد، اما گفته می‌شود فعالیت‌های این جریان به شکل غیرآشکار همچنان در جریان است. برخی از گزارش‌ها از این امر حکایت دارند که بعد از فوت محمود حلبی در سال ۷۶، افرادی همچون حسین سجادی و حسن افتخارزاده در کنار چند نفر دیگر هیات مدیره انجمن حجتیه را بر عهده داشتند و جلسات هفتگی‌ای را در سکوت برگزار کرده‌اند.

بعد از به قدرت رسیدن محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ بود که فرضیاتی مبنی بر نزدیک این جریان به رئیس‌جمهور جدید و نزدیکان‌اش مطرح شد. هر چند حجتیه‌ها بر دوری از سیاست تاکید داشتند، اما در آن مقطع این مساله مطرح شد که بخشی از آن‌ها (شاید تندروها) معتقدند باید با حضور در میدان سیاست زمینه ظهور یا آنچه که خود باور داشتند (افزایش معصیت در سه قالب جور سلطان، قحطی زمان و ستم حکام) را نمایندگی کنند.

در سال ۸۴ یعنی همزمان با ریاست احمدی‌نژاد بر پاستور، حسین سجادی، یکی از رهبران اصلی انجمن حجتیه اثر پرمناقشه «دهه ۸۰، دهه ظهور» را منتشر کرد. در این کتاب، سجادی، مجموعه‌ای از تحولات همچون سرنگونی صدام حسین و افزایش بحران‌ها در خاورمیانه را مطرح کرد و فرمانده‌ای با پوست سبزه، ریش کوتاه و قد متوسط که اهل ری یا تهران است را معرفی کرد که می‌تواند مقدمه ظهور باشد. همچنین، سجادی در اثر خود می‌گوید: «از ۴۰ نشانه ظهور امام زمان ۳۷ مورد وجود دارد.»

آن زمان، گمانه‌زنی شد که ارتباط نزدیکی میان سجادی و رئیس‌جمهور وجود دارد و فرمانده‌ای که قرار است زمینه ظهور را ایجاد کند، خود محمود احمدی‌نژاد است. در ادامه تلاش‌هایی برای قهرمان‌سازی و شخصیت‌سازی‌های آخرالزمانی از احمدی‌نژاد صورت گرفت که یکی از مشهورترین آن‌ها داستان «هاله نور» بود. در داستان هاله نور که فیلم آن منتشر



داشت که جریان احمدی نژادی و اتاق فکرش، نزدیک به «حجتیه‌ای» هستند. برای نمونه، فرج الله رجبی، عضو فراکسیون امید در مجلس یازدهم، در فروردین ۱۳۹۷ از وجود جریان پشت تحرکات محمود احمدی نژاد سخن به میان آورد. هر چند او با صراحت از عنوان انجمن حجتیه برای این جریان پشت پرده بهره نگرفت.

با وجود تمامی این فرضیات، عمالدین باقی، فعال سیاسی اصلاح طلب و نویسنده کتاب «کاووشی در روحانیت» و «در شناخت حزب قاعدین زمان» در بهمن ۹۷ در گفت‌وگویی با ایرنا، حجتیه‌ای بودن اشخاصی همچون، شیخ حسین لنکرانی، مصباح یزدی و حتی احمدی نژاد را مورد تأکید قرار نداد. او گفته است: در همان سال اول روی کار آمدن احمدی نژاد تلویزیون هما با من مصاحبه کرد. به آن‌ها توضیح دادم که احمدی نژاد هیچ ربطی به انجمن حجتیه ندارد. مگر هر فردی دم از امام زمان و ظهور زرد انجمن حجتیه‌ای است. یکی از اشتباهات رایج همین است که هر فرد صحبت از امام زمان می‌کند انجمن حجتیه‌ای خوانده می‌شود. در حالی که همان زمان من اطلاع داشتم که انجمن حجتیه در جلسات داخلی خود و همین طور جلسه‌ای که با آن‌ها داشتم نسبت به احمدی نژاد موضع داشت و از او اعلام برائت می‌کرد. انجمن حجتیه معتقد بود احمدی نژاد و گروه اش به جایگاه امام زمان در جامعه ضربه می‌زند. در واقع ما در حوزه سه جریان مذهبی داشتیم. جریان ولایتی‌ها که سردمدارش حسین لنکرانی بود و جریانی به شدت سیاسی بود. جریان انجمن حجتیه که سیاسی نبود. جریان موسسه در راه حق که چهره معروفش مصباح بود. البته فقط ایشان نبود و در موسسه در راه حق نیروهای دیگری هم بودند. این سه جریان با هم اشتراکات و اختلافاتی داشتند.

آیا حجتیه‌ای‌ها بازگشته‌اند؟

با وجود فروکش کردن ماجرای بازداشت و زندانی شدن نزدیکان احمدی نژاد و البته کم‌رنگ شدن حاشیه‌های عجیب اسفندیار رحیم مشایی، این روزها با ناآرامی‌ها و رخدادهای پس از آن، بار دیگر داستان حجتیه‌ای‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در این بین از دیدگاه فلاحت‌پیشه، در جریان‌ات اخیر، هر زمان که عده‌ای تلاش کردند برای کشور کاری انجام دهند و فضا را آرام کنند، حجتیه‌ای‌ها، در مقابل آن‌ها ایستادند و ضمن تهمت پراکنی در قبال ایشان، خود را به عنوان انقلابیون اصیل معرفی کردند.

از دیدگاه این نماینده ادوار، جریان حجتیه از اول انقلاب به شکل‌های مختلف در عالم سیاست‌ورزی ایران حضور داشته و افراد نزدیک به این تفکر حتی تلاش می‌کنند تا به نام اسلام مردم را طرد کنند. حتی او می‌گوید: «در جریان وقایع اخیر، این جریان با تفرقه‌افکنی تلاش دارند خون‌ریزی گسترده صورت بگیرد. این افراد نمی‌خواهند ناآرامی‌ها در کشور پایان پذیرد. لذا اکنون نباید اجازه دهیم عده‌ای بنزین بر روی ناآرامی‌ها و حوادث کشور بریزند.» با تمام این تفاسیر همچنان این پرسش مهم مطرح است که آیا به راستی حرکت خزنده حجتیه‌ای‌ها در حوادث و ناآرامی‌های اخیر کشور در جریان بوده است؟ آیا حجتیه بازگشته است؟

فرارو

شد محمود احمدی نژاد در حضور آیت‌الله جوادی آملی، ماجرای دیدن هاله نور توسط اطرافیان خودش در ماجرای اولین سخنرانی خود در نیویورک را نقل می‌کند.

در سیاست‌گذاری‌ها و باورهای محمود احمدی نژاد و اطرافیان او در دولت دو مولفه کلیدی غالب بود؛ تأکید بر نزدیک بودن ظهور و ضرورت ارائه دادن برنامه‌هایی صرفاً کوتاه مدت و نه بلند مدت با چشم‌انداز چندین ساله. به همین دلیل این باور در میان ناظران سیاسی و اجتماعی به وجود آمد که حجتیه‌ای‌ها پشت برنامه‌های دولت قرار دارند. تا جایی که افرادی همچون «عماد افروغ» استاد دانشگاه و فعال سیاسی اصول‌گرا و «حسین الله‌کرم»، فعال سیاسی اصول‌گرا هشدار دادند «حجتیه‌ای‌ها» جدید در حلقه اطرافیان دولت فعال شده‌اند.

در این بین تفکرات و کنش‌های اسفندیار رحیم مشایی، معاون رئیس‌جمهور و دست راست محمود احمدی نژاد از سوی برخی از ناظران به عنوان نموده‌های تفکرات حجتیه مورد توجه بود. طرح این مسائل و شائبه حضور حجتیه‌ای‌ها در حلقه دولت نهم، حتی واکنش مستقیم و قاطع احمدی نژاد را به همراه داشت. به گونه‌ای که او اعلام کرد: «در دولت من، هیچ حجتیه‌ای حضور ندارد.» با این وجود همچنان این باور حفظ شد که دولت مهرورز همسویی نزدیکی با تفکرات انجمن حجتیه دارد.

بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ و تثبیت دومین دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد، این بار گمانه‌زنی نزدیکی میان دولت احمدی نژاد و حجتیه‌ای‌ها ابعاد جدی‌تری به خود گرفت. در این مقطع تصمیمات و اقدامات احمدی نژاد موجب شد که برای احمدی نژادی‌ها واژه جریان انحرافی متولد شود. حتی بسیاری جریان انحرافی را به حجتیه‌ای‌های نزدیک رئیس‌جمهور ارجاع دادند. روزنامه «رسالت» در چهارم مرداد سال ۸۹ در گزارشی که البته هیچ‌گاه تأیید و تکذیب نشد، مطلبی درباره مراجعه برخی از اعضای فعال «انجمن حجتیه» برای گرفتن مجوز فعالیت منتشر شد. این روزنامه، اقدام اعضای انجمن حجتیه را ناشی از «مدارای نهادهای امنیتی و اطلاعاتی در مورد سیاست‌های فعلی» این انجمن دانست.

در همین سال داوود احمدی نژاد، دبیر کمیته دائمی پدافند غیرعامل کشور نیز از جریانی سخن به میان آورد که قصد دارد با استفاده از انتخابات آینده مجلس (منظور انتخابات مجلس سال ۱۳۹۰) به انقلاب حمله کنند. حتی او مدعی شد، بعضی از اعضای انجمن حجتیه که اکنون به «راه حقیقت» تغییر نام داده‌اند، جریان فتنه آینده را خلق می‌کنند. با این اوصاف، در سال‌های پایانی دولت دهم همچنان مجادله پیرامون ارتباط جریان انحرافی با حجتیه‌ای‌ها ادامه داشت.

بعد از پایان دولت دوم احمدی نژاد و روی کار آمدن دولت روحانی، برخی از فعالان سیاسی همچنان بر تداوم حضور نزدیکان این انجمن در دولت‌های یازدهم و دوازدهم نیز تأکید داشتند. برای نمونه، مسیح مهاجری در گفت‌وگویی در اسفند ۱۳۹۷ تأکید کرد: «برخی از اعضای حلقه اصلی روحانی، عضو انجمن حجتیه هستند؛ این را از همان اول به روحانی گفتم.»

در همین دوران، ماجرا بازداشت و زندانی شدن یاران نزدیک محمود احمدی نژاد و جنجال آفرینی‌های او که همراه با تهدید به افشاگری و... بود، همچنان این فرضیه را زنده نگه

آلودگی هوای تبریز زیر سایه بی تدبیری ها

مستولان سابق متهم ردیف اول

گاز هم هر ساله افزایش می یابد که ۶۰ میلیون متر مکعب در روز امسال نسبت به سال گذشته مصرف ما افزایش یافته است.

متفکر آزاد با بیان اینکه با روسیه برای توسعه ی گاز قراردادی را انعقاد کردیم اما نمی توانیم بگوییم به دلیل اینکه گاز نداریم، مردم از آلودگی خفه شوند؛ گفت: سال گذشته از ۱۶ شهریور ماه سوخت نیروگاه به مازوت تغییر کرد و اعتراض کردیم که چرا نیروگاه تبریز مازوت می سوزاند اما بقیه نه و اعتراض ما از بابت مازوت سوزی و بی عدالتی بود البته قبول داریم خطوط انتقال گاز به مناطق جنوبی ضعیف تر است اما باید این عدالت رعایت شود.

او خاطرنشان کرد: وزارت نفت به این سوال جواب داد و سوخت نیروگاه به گاز برگشت و عدالت رعایت شد، امسال نیز طبق پیگیری های سال گذشته، مازوت سوزی با سه ماه تأخیر در ۹ آذر ماه آغاز شد و اخیراً پیگیری کردیم و همه ی نیروگاه هایی که می توانستند، مازوت سوزاندند و نیروگاه تهران هم که مورد سوال بود، پایه مازوت نبوده و پایه گازوئیل است اما با گرم تر شدن هوا فعلاً برای یک روز به نیروگاه تبریز گاز داده اند. او در خصوص تأسیس نیروگاه جدید در تبریز اضافه کرد: تأسیس نیروگاه جدید جز مطالبات ما است و در آن شکی نیست، مذاکراتی شروع شده است بنیاد مستضعفان بر عهده نگرفتند؛ خرید برق وزارت نیرو به سود آنها نبود چراکه بنگاه اقتصادی است، بنابراین به سراغ افراد دیگری رفتیم. این نماینده مردم تبریز متذکر شد: تأسیس نیروگاه لاجرم است و حتماً حرکت به این سمت شروع شده است و گزینه های این کار را پیش می بریم.

رتبه اول تبریز در میان کلانشهرهای با هوای پاک کشور

مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی نیز در ادامه این جلسه با بیان اینکه آلودگی هوای تبریز اکثرًا از منابع متحرک است، گفت: سهم منابع بر اثر انتشار ۲۵ PM_{۱۰} به ترتیب اتوبوس های شهرداری ۲۷ درصد، کامیون ها ۱۷ درصد، خودرو شخصی ۱۵ درصد، مینی بوس ۱۱ درصد، نیروگاه (بدون مازوت سوزی) ۱۰ درصد و موتورسیکلت ۸ درصد است.

شهنام اشتری ادامه داد: سهم منابع در انتشار ۱۰ PM_{۱۰} به ترتیب اتوبوس های شهرداری ۲۶ درصد، کامیون ها ۲۰ درصد، خودرو شخصی ۱۶ درصد، مینی بوس ۱۱ درصد و موتورسیکلت ۷ درصد است. او افزود: سهم منابع در انتشار TSP به ترتیب سیمان ۳۰ درصد، اتوبوس های شهرداری ۱۶ درصد، خودرو شخصی ۱۴ درصد، کامیون ها ۱۰ درصد، مینی بوس ۷ درصد، نیروگاه (بدون مازوت سوزی) ۶ درصد، منابع خانگی، تجاری ۳ درصد و موتورسیکلت ۳ درصد است.

مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی همچنین یادآور شد: در سال جاری ۶۷ روز هوای پاک، ۱۸۶ روز قابل قبول، ۱۸ روز ناسالم برای گروه های سنی حساس، یک روز برای کلیه ی گروه ها و یک روز هم هوای با غلظت آلودگی خطرناک را تبریز داشتیم که رتبه اول کشوری از نظر هوای پاک در میان کلانشهرها را به خود اختصاص داده ایم و در مقایسه با سال گذشته تعداد روزهای ناسالم ما کاهش یافته است.

به سراغ راه حل ها باشیم نه کم کاری ها!

او در پاسخ به این سوال که چرا از سال ۹۲ تا ۹۸ عوارض آلودگی دریافت نشده است، پاسخ داد: بخشنامه ها تغییر کرده است اما هر واحد که آلوده باشد خطاریه به آن صادر می شود اما باید به سراغ راه حل ها برویم، این موارد در دولت قبلی بوده و در دوره ی من نبوده است.

او ادامه داد: در مورد واحدهای صنعتی با هیچکس تعارفی نداریم، مشکل چرمشهر همچنان وجود دارد و طرح دعوی کردیم و باید مطالبه کرد.

اشتری خاطرنشان کرد: معدن اندریان هم باید تغییر رویه دهد و اکنون گزارش کیفی از آنها خواسته ایم تا اصلاحات لازم انجام شود.

او اظهار کرد: پالایشگاه و پتروشیمی اقداماتی را برای حذف آلودگی انجام داده اند اما آخرین وضعیت پتروشیمی در مجموع نسبت به پالایشگاه بهتر است. او در خصوص کارخانه کاوه سودا نیز تأکید کرد: سودا نتیجه ی یک تصمیم غلط بوده است و یکی از مشکلات محیط زیستی این است که در آمایش سرزمینی، در استقرار واحدها اعمال نفوذ شده و در نهایت باید استاندارد شوند.

به داد شرکت تولید برق تبریز برسید

مدیرعامل شرکت مدیریت تولید برق آذربایجان شرقی هم طی سخنانی اظهار کرد: پایه نیروگاه تبریز از سال ۱۳۶۴ مازوت بوده و مازوت سوزانده است و از بهترین نیروگاه های کشور است که تا سال ۱۳۸۲ مازوت

آلودگی هوای یکی از مسائلی است که چندین دهه است اذهان عمومی را به چالش کشانده است. آمارها نشان می دهند که دو سوم از مرگ و میرها به دلیل بروز انواع آلودگی ها است.

طی ماه های اخیر شاهد افزایش غلظت آلاینده های جوی در اکثر نقاط کشور بوده ایم که تبریز هم از این قافله عقب نماند و روزهای آلوده و تعطیلی مدارس را تجربه کرد.

برخی مقصر اصلی را وارونگی دما و آسمان می دانند، برخی مازوت سوزی نیروگاه و برخی از مسئولین نیز کم کاری دولت های سابق اما هنوز متهم اصلی شناسایی نشده است.

دانشگاه تبریز نیز با توجه به رسالت مطالبه گری خود، جلسه ای را با حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولین استانی برگزار کرده و مسئله ی آلودگی هوای تبریز را بررسی کرد.

محیط زیست در دولت گذشته ترک فعل کرد

نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی در ابتدای جلسه اظهار کرد: سازمان حفاظت محیط زیست علیرغم کم و کاستی ها از هیچ پشتیبانی برخوردار نیست اما در دولت قبلی انگشت اتهام در موضوعات آلودگی آذربایجان شرقی متوجه ترک فعل سازمان حفاظت محیط زیست قرار گرفت و با توجه به کم کاری ها در دادگاه محکوم شدند.

احمد علیرضا بیگی ادامه داد: از سال ۱۳۹۷ آلودگی کارخانه کاوه سودا را پیگیری می کنم و سال گذشته در مجمع نمایندگان آلودگی آن را مطرح کردم چراکه سازمان حفاظت محیط زیست اسناد و مدارکی را ارائه می دهد که دال بر آلودگی کاوه سودا، معدن اندریان، پتروشیمی و پالایشگاه تبریز است و اظهارات رئیس سابق سازمان حفاظت محیط زیست را ضبط کردم که سبب شد تصمیم بگیرند، اختلافاتی میان سازمان حفاظت محیط زیست و من وجود دارد.

بدهی ۸۰۰ میلیارد تومانی شهرداری تبریز از محل عوارض آلودگی صنایع

او افزود: متأسفانه اختلافات با سازمان محیط زیست، اسباب کسب و کار تعدادی را فراهم کرد و پای مجموعه های دانشگاهی را هم به میان کشاند اما اعتبار علمی دانشگاه نباید قربانی چنین بازی هایی شود؛ کاسبی حسابی به راه افتاده است.

او خاطرنشان کرد: به عنوان مدعی شخصی در موضوع کاوه سودا ورود کرده و هزینه کارشناس را پرداخت کردم، گویا موضوع شخصی است و پر سال ۱۴۰۲ نوبت رسیدگی صادر شده است اما در مورد مسائل محیط زیستی مدعی مشخصی را نداریم.

بیگی در رابطه با عوارض منابع آلوده یادآور شد: نیروگاه حرارتی تبریز سطح اول آلودگی را دارد و از سال ۱۳۹۲ پرداخت عوارض آن متوقف شده است، در حالی که شهرداری تبریز از محل عوارض آلودگی ۸۰۰ میلیارد تومان بدهکار است.

دانشگاه باید مرجعیت علمی خود را حفظ کند

نماینده دیگر مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی نیز گفت: مسائل زیست محیطی به دلیل اینکه در بلند مدت آثار خود را نشان می دهند، عموماً با عدم فهم به موقع مسئولین مواجه می شوند و کمتر متوجه می شویم که چه اتفاقی می افتد و فهم درست و دقیق در زمان مناسبی رخ نمی دهد اما در کنوانسیون بین المللی این موضوع را جدی می گیرد و در کشور ما نیز سازمان حفاظت محیط زیست باید پیش از وقوع حوادث، جلوی اتفاقات را بگیرد.

روح اله متفکر آزاد ادامه داد: دانشگاه باید مرجعیت علمی خود را حفظ کند و اینکه طرف قرارداد خدمات علمی آن کیست، مهم است، باید با سازمان حفاظت محیط زیست یا نهادی که ذی نفع نیست، باشد؛ حتی اگر محفل عالمانه تشکیل دهد، مورد سوال قرار می گیرد و باید تصحیح قوانین مربوطه انجام شود.

او افزود: آلودگی هوا در کلان شهرها به ویژه در فصل زمستان و پاییز به هم پیوند خورده و باعث اتفاقات ناگواری می شود و زیست کلان شهری را مؤثر و متأثر می کند؛ همه ی آلودگی ها از مازوت سوزی نیست اما در شهری چون تبریز که خروجی آلاینده ها به سمت شهر است، این وضع جدی است اما همه مربوط به مازوت نیست؛ بخشی برای نیروگاه و بخشی زیستی است.

تأسیس نیروگاه جدید جزو مطالبات ما است

او خاطرنشان کرد: نیروگاه تبریز مدرن نیست و باراندمان پایین سوخت و اتلاف منابع آبی مواجه است و میزان تولید برق در زمان پیک زمانی که هر دو لاین کار کنند ۷۰۰ مگاوات است، در دهه گذشته سرمایه گذاری چشمگیری در این حوزه نداشته ایم و با وجود اینکه گاز تولیدی را افزایش می دهیم اما مصرف

او با تاکید بر اینکه سو مدیریت و رفتارهای سلیقه مدیران در حوزه حمل و نقل شهری بسیار بوده است و بت مردم رو راست صحبت نکرده ایم، افزود: اگر نتوانیم شهروندان را قانع کنیم که به همه ی نیروگاه ها مطابق سرانه مردمی گاز تعلق می گیرد، سبب عدم شفافیت شده و مردم را دچار سو تفاهم می کند و ناراضی می شوند.

اتوبوس های شهری تبریز را ده سال گذشته بازسازی کردن و با نام اتوبوس جدید تحویل می دادند صادق خاطر نشان کرد: طی ده سال گذشته آلودگی هوا به واسطه اتوبوس های داخل شهری قابل لمس است، طی سال های گذشته ناوگان حمل و نقل عمومی را رها کردیم چراکه استاندارد برای سیاست گذاری تعریف نشده بود.

او همچنین یادآور شد: اتوبوس های شهری تبریز را ده سال گذشته بازسازی کردن و با نام اتوبوس جدید تحویل می دادند که در طول ده سال گذشته نزدیک ۱۰۰ عدد اتوبوس تهیه شده است. او تاکید کرد: سهم حمل و نقل در بودجه شهرداری تبریز و مصوبه دولت باید مطالعه شود، قانون ذاتا نیروگاه ها و پالایشگاه ها را آلاینده اعلام کرده و نیاز نیست محیط زیست اعلام کند و پرونده آنها همچنان باز است و قصد دارند تا عوارضات را پرداخت نکنند.

رئیس کمیسیون محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تبریز متذکر شد: در حوزه حمل و نقل تبریز ۲،۵۰۰ میلیارد ریال بودجه تعیین شده است اما کفاف نمی دهد، باید حمل و نقل ترکیبی را پیش ببریم، درحالیکه طرح جامع مطالعات حمل و نقل در تبریز نداریم.

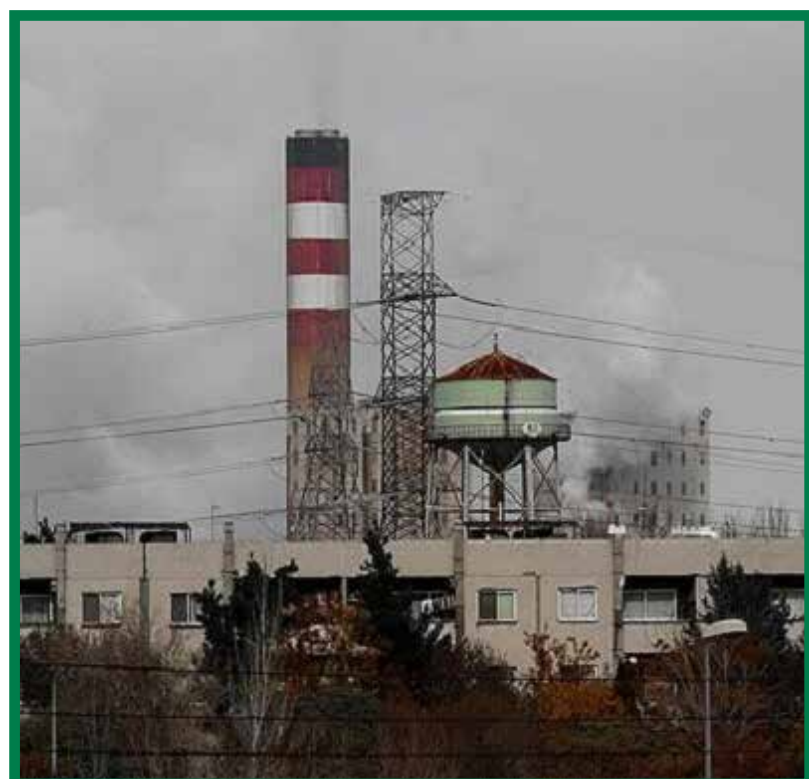
او افزود: سهم شهر تبریز از منابع دولتی باید مطالبه شود اما این امر مهم است که از چه کسی مطالبه کنیم اما کارشناسی هایی در مسائل تبریز اتفاق می افتد و مسئولین و نمایندگان تبریز نمی توانند محکم مطالبه کنند.

از نظر مصرف گاز جز چهارمین کشورهای پر مصرف دنیا هستیم

مدیرعامل شرکت گاز آذربایجان شرقی نیز طی سخنانی اظهار کرد: شرکت گاز آذربایجان شرقی تولید گاز را بر عهده ندارد و گاز را از خطوط لوله گرفته و توزیع می کند، اما مصرف ما در سال ۱۴۰۱ نسبت به گذشته ۱۰ درصد افزایش یافته است و امسال باتوجه به اینکه سردی هوا نسبت به سال گذشته کمتر است، مدت بسیاری در نیروگاه گاز مصرف شده است.

نادر کمالی ادامه داد: بیشترین مصرف سوخت در بخش خانگی است و تلاش می کنیم تا این بخش را کنترل کنیم که از نظر ایمنی مردم باید به گاز دسترسی داشته باشند و با مشکل مواجه نشوند؛ ناترازی گاز بر هیچکس پوشیده نیست، در سال های گذشته زیرساخت ها به خوبی کار نشده بود؛ بنابراین امسال تولید گاز کشور نسبت به سال های قبل کم و مصرف افزایش یافته است و برای اینکه مدیریت کنیم، باید محدودیت ها اعمال شود و تغییر سوخت نیروگاه ها به مازوت دست ما نیست. او افزود: گاز ماده و نعمتی با ارزش است، اگر شرکت گاز به دنبال بنگاه داری بود، تلاش می کرد تا آن را در بخش دیگری با رقم بالا بفروشد.

او خاطر نشان کرد: از نظر مصرف گاز جز چهارمین کشورهای پر مصرف دنیا و بد مصرف هستیم و صنایع ما نسبت به سوختی که می گیرند، راندمان خوبی ندارند و ایجاد صنایع و تولید به علت ارزان بودن سوخت، آسان است.



سوزی ادامه داشت و از ۱۳۸۲ یحث آلودگی پیش آمد و گاز سوز کردن نیروگاه مطرح شد و شرکت گاز متعهد شد هشت ماه از سال به نیروگاه گاز دهد و هر ساله تقریباً این تعهد را عمل کرده و بیشتر از آن هم گاز داده است و هر زمان گاز نبود، مازوت استفاده می شد.

محسن موسوی ادامه داد: از ۱۶ شهریور ماه بسته پیشنهادی مازوت سوزی آغاز شد و هفت نیروگاه کشور شروع به مازوت سوزی کردند اما فقط در سال گذشته ۲۰۰ میلیارد تومان بابت هزینه های تعمیر آن پرداخت شد و نیروگاه های کشور به هیچ عنوان وجهی بابت سوخت پرداخت نمی کنند و به ازای هر کیلووات ساعت تبدیل سوخت به برق وجه دریافت می کنند.

او افزود: زمانی که مصرف سوخت ما مازوت است، تجهیزات بیشتر در معرض آسیب قرار می گیرند، نیروگاه تبریز در سال ۱۳۸۹ با تصمیم دولت به بخش خصوصی واگذار شد و مالکیت آن اکنون به بخش خصوصی شامل صندوق بازنشستگی و تأمین اجتماعی واگذار شده است و این بدترین اتفاق بود چراکه برآیند هزینه هایی کلانی را باید پرداخت می کردیم تا دو اورهال جامع را که دولت وقت از آن سرپیچی کرده بود برعهده مالک جدید بگذاریم.

او خاطر نشان کرد: نیروگاه تبریز تنها سازمانی است که سودی برای مالک ندارد و ما افتخار می کنیم واحد یک و دو تحت تعمیرات اساسی قرار گرفته و اکنون میزان تولید آن طبق سال ۱۳۶۵ است و همچنان ۳۴ راندمان را دارد اما منکر آن نیستیم که مازوت سوزی سبب آلودگی هوا می شود ولی باید در نظر بگیریم، تردد خودروها نسبت به سال ۱۳۶۵ افزایش یافته آلودگی ها بیشتر شده است.

موسوی همچنین یادآور شد: خط قرمز ما قطع شدن برق تبریز است، آخرین نیروگاه بخار کشور در سال ۱۳۸۰ در بناب نصب شد و بعد آن به دلیل تحریم ها نیروگاه بخار دیگری نداشتیم و بقیه سیکل ترکیبی بودند.

او با بیان اینکه به داد شرکت تولید برق تبریز برسید، گفت: ۱۷۰۰ مگاوات روزانه در تبریز برق مصرف می شود در حالی که تولید ما ۱۲۰۰ مگاوات است؛ پیش از این باید برای تغییر نیروگاه به سیکل ترکیبی اقدام می کردیم نه اینکه آرام و ناگهانی به بخش خصوصی تحویل دهیم که اگر علم امروز را داشتند آن را تحویل نمی گرفتند و به جرأت می گوئیم شرایط نیروگاه تبریز بهتر از متوسط نیروگاه های کشور است.

او تاکید کرد: با تغییر سوخت، دود سیاهی رنگی تولید می شود و بخشی از این دود، بخار آب مربوط به برج خنک کننده و بخشی دود مربوط به مازوت سوزی است.

مدیرعامل شرکت مدیریت تولید برق آذربایجان شرقی متذکر شد: به داد توسعه ی نیروگاه تبریز که زمین و بهره برداری مناسبی دارد، برسید، به داد برج خنک کن آن برسید، هر ساعت حداقل ۱۰۰۰ تن آب را در برج خنک کن مصرف می کنیم که این آب را از مایان برداشت کرده ایم و سختی بالایی دارد و تأسیسات ما را با اختلالات جدی مواجه کرده است.

او یادآور شد: فراخوان های بسیاری یافتن ایده های برای سیستم کاهش آلاینده های نیروگاه دادیم اما فیلتراسیون هم آب بسیاری می طلبد و به آلودگی آب و خاک متهم می شویم.

او گفت: مذاکرات بسیاری با دانشگاه ها به عمل آوردیم اما تاکنون نتیجه ای به دست نیاورده ایم ولی هرکسی که بتواند ایده ای بدهد که دود گوگرد را جدا کنیم، استقبال می کنیم.

موسوی خاطر نشان کرد: توسعه ی نیروگاه در اختیار شرکت بهره بردار نبوده و در اختیار دولت است و با تمام توان خود در سال ۱۳۹۵ می خواستیم یک واحد را در ایلخچی نصب کنیم اما متأسفانه به بناب بردند ولی اگر نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخواهند می توانند نیروگاهی به تبریز بیاورند.

مرگ سالانه ۲۵۰۰ نفر در تبریز بر اثر آلودگی هوا

دانشیاری از دانشگاه علوم پزشکی تبریز نیز گفت: مطالعاتی انجام شده است و منابع آلوده تبریز را مشخص کرده اند اما باید منابع آلاینده را اولویت بندی و بر اساس آلودگی آنها، تبریز را مدیریت کنیم.

غلامپور ادامه داد: در سال ۲۰۲۰ آلودگی هوا چهارمین عامل مرگ و میر در جهان بود و نزدیک به ۴۰۰۰ نفر در آذربایجان شرقی و ۲۵۰۰ نفر در تبریز سالانه مرگ منتسب به آلودگی هوا را داشتند.

او خطاب به مسئولین حاضر در جلسه تاکید کرد: عمدتاً آلودگی تبریز از خودروها و ترافیک است اما چرا اقداماتی انجام نمی شود؟ شهرداری باید پاسخ دهد که چه اندازه مسیرگشایی شده و پارکینگ هایی ساخته شده است.

سو مدیریت و رفتارهای سلیقه مدیران در حوزه حمل و نقل شهری بسیار بوده است

رئیس کمیسیون محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تبریز هم افزود: مسئولیت های ملی و دولتی و تکالیف هرکدام باید مشخص شود تا دستگاه های مربوطه مطالبه را انجام دهند اما عمده مشکلات کلان کشوری است که داشته ها و سرمایه های خود را به بهانه خصوصی سازی به فنا می دهیم و به بهانه های مختلف، بازخورد و ارزیابی از این موضوع نداریم.

احد صادق اظهار کرد: این بزرگترین آفت است که ادعا داریم می خواهیم الگو سازی کنیم به ویژه در حوزه ی اقتصاد که محورهای آن کلان کشوری است و باید پیگیری کنیم، به دلیل اینکه دولت هزینه ی سرمایه گذاری در نیروگاه را ندارد، باید بخش خصوصی آن را انجام دهد از طرف دیگر حمایتی از آنها نشده و مشکلاتی ایجاد می شود تا از زیر این موضوع در بروند.

او با بیان اینکه سیاست های سلیقه محور در دولت های مختلف بوده است، گفت: طبق اسناد بالادستی، ارزیابی استان بسیار پایین است و رفتارهای سلیقه ای را به برنامه محور بودن ترجیح می دهند، در شورای شهر و شهرداری برنامه پنج ساله تدوین شده و شورای بعدی آمده و طرح ها را تغییر می دهد؛ ارزیابی برنامه ها را چه کسی باید انجام دهد؟

اثر ادبیاتی

آذربایجان فولکلور و جمعی یارادجیلیق محصولو اولان، مولیقلری معلوم اولمایان ادبیاتدیر. قدیملیکدن، تاریخدن خبر و ئرمکله یاناشی آذربایجان خالقینی روحوندان سؤزولن مدنیتهدیر. آذربایجان شیفاهی خالق ادبیاتی چوخ قدیم بیر تاریخه مالیک بدیعی سؤز خزینه سیدیر. خالقیلمیزین مین ایللر عرضینده دؤزوب-قوشدوغو زنگین بدیعی نومونه لر، آتالار سؤزلیری، تاپمالار، لطیفه لر، افسانه لر، ناغیلار، داستانلار و س. آغیزدان-آغیزا کئچهرک عصرلر بویو یاشامیش، جیلانلاراق دؤوروموزه قدر کلیب چیخمیشدیر.

عزیزیم آلا داغا،
گۆن دۆشور آلا داغا.
من قاراداغ اهلی یم،
یازمنی قاراداغا.
یاغی گلدی یانیم،
سوسامیشدی قانیم.
دؤندوم غؤربت ائلردن،
قوت گلدی جانیم.
زحمتیم کئتدی بادا،
اثر گلدی چاتدی دادا.
یارین گؤزو بولدادی،
حسرتدی اوردوبادا.
سؤزوم دؤشر داستانا،
بیر اؤن سالار هر یانا.
غؤربت قوی سیزه قالسین،
من گئدیرم شیروانا.

عمادالدین نسیمی

سئید علی عمادالدین نسیمی (سید محمد اؤغلو) (۱۳۷۰-۱۴۰۴). آذربایجانلی عارف و شاعیر و متفکریدی. سئید علی عمادالدین نسیمی ۱۳۷۰-جی ایلده دونیا یا کلیب. دوغوم یئر شیره اندیر. بعضی تدقیقاتچیلار (محققلر) اونون باکیدان اؤلدوغونو ایدیعاً ائدیرلر، بعضی لری ده نسیمی نین دوغوم یئر کیمی شیره انشاها لارین پایتختی شاماخینی گؤستریرلر. نسیمی یارادجیلیغی نین آنا خطی اینسانین آلاها لار عئینی لشدیریلمه سی و ایلاهیلیگی ایدئاسیندان کئچیر. نسیمی نین دیوانی و کوللیانی آذربایجاندا، تورکیه ده و ایراندا دفعه لر نشر اؤلوبدور. آذربایجاندا پروفیسور جهانگیر فهرمان اوف و تورکیه ده پروفیسور حسین اعیان و ایران دا پروفیسور حسین محمدزاده صدیق (حسین دوزگون) علمی ایشلر گؤرموشلردیر.

صنما، اوزون گۆلوندن گۆله-گۆله گۆل اوتاندی،
خجیل ائیله دی دوداغین شگری، نباتی، قندی.
قارا قاشلارین یابین دان مانا کیرییک اوخون آتار،
آلا گۆزلرین مگر کیم، یئنه قانیم سوساندی.
ستم ائتمک ایله حاشا کی، کؤنول اوسانا سن دن،
کیمه آیدایم کی، آئین ستمین ده جان اوساندی.
گؤزونو دؤزوب سؤزرسن، دیلو جانا قصد ائدرسن،
بو ندیر کی، سن قلیرسن، چلییم، بگیم، افندی؟
نه باها یا قیمت ائتمس سنی، ائی شیکاری-دؤولت
کی، جهان مناعی دیمز قلینا ساچین کمندی.

دؤنو گۆن ایکی گؤزوم دن آخیدیر انار دانه،
جیگریم قانبله گؤر کیم، بو بؤزوم نه خوش بویاندی.
قارا سؤنبولون نیقابی کی، حجابی دؤشموش آیا،
گؤتور، ائی صنم، اوزون دن کی، نسیمی اودا یاندی.

سید ابوالقاسم نباتی

سید ابوالقاسم نباتی ۱۲-جی هیجری عصر آذربایجان ادبیاتی نین آدلیم شاعیرلریندیر. ابوالقاسم نباتی ایران آذربایجان نین قاراداغ ویلایتی نین دیزمار ماحالی نین اوشتبین قصبه سینده آنادان اؤلوموشدور. او "نباتی"، "مجنون"، "مجنونشاه"، "خان چوباتی" تخلص لری ایله یازمیشدیر. نباتی، هم کلاسیک شرق، هم ده آشیق شعری طرزینده اورجینال اثرلر یاراتمیش دیر. یارادجیلیغیندا قوشما، تجنیس، گرابلی، غزل، چاریبا، بحر-طویل کیمی ژانرلار یئر وئرمیشدیر. اونون قوشمالاری نین اساس موضوعو محبت دیر. نباتی آشیق شعری ایله تانیش اؤلان بیر ادیدیر. اونون دیوانی نین یاریسی آشیق شعرلری نوعوندادیر. او دور کی یارادجیلیغی گله جک عاشیق ادبیاتیندا بویوک تأثیر بوراخمیشدیر. نباتی تورکجه دن علاوه فارسجا اثرلر ده یارادییدیر.

ساقی، نه یاتمیسان، دور آباغه، دور،
قویما قضا قال سین هنگامی-طرب.
خورشیدی-خاوری بؤرجی-هوت دن
سئیر اؤچون همه لی ائندی منتخب.

هر گۆن اؤز یارینی چکیب آغوشا،
بۆلبوللر مست اولوب کلیب خوروشا،
یاتما، یاتما، آیل، سن ده گل هوشا،
گؤتور پیاننی، دول دور لبالب.

دولان دیر باشینا جامی-کۆلگونو،
صدایه جولقاشدیر دشتو هامونو.
کتیر یادا فرهاد ایله مجنونو،
ناله چک، دئگیلن ال عفو اؤللالب.

دورما کی، دؤنیانین یوخ اعتباری،
غنیمت بیلگینن بئش گۆن باهاری.
اؤزونه همدم قل بیر گۆل عذاری،
بیر چمن کونجون ده هر روز تا شب.

میدانی-عشق ایچره سیبیرتدیم آتی،
مسخر ائیلدیم رومو هئراتی.
محترم اوغلو یام، آدیم نباتی،
ذاتیمیز هاشیمی، اصلیمیز عرب.

